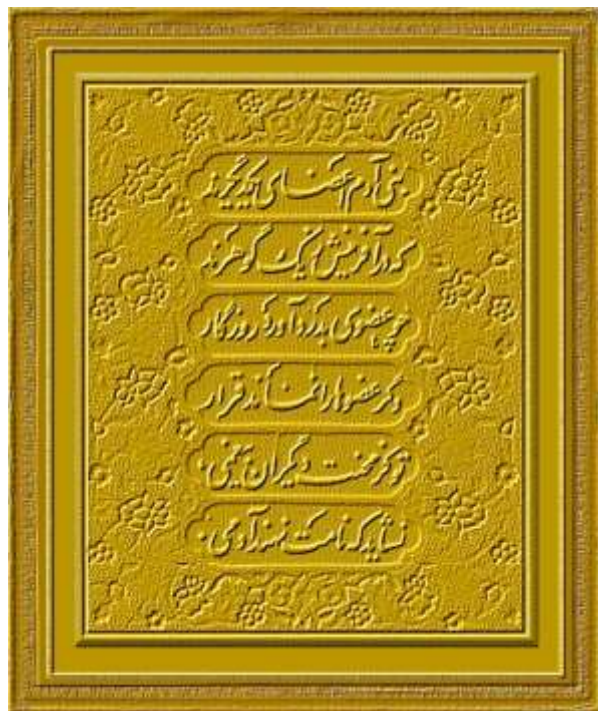


کرونا: آنچه روشن شد، آنچه در انتظار ماست، آنچه باید انجام داد



بی شک همه‌ی ما نگران آینده هستیم. پرسش‌هایی چون کرونا کی تمام می‌شود؟ چه بر سر من، عزیزانم، دوستانم، بستگان سالمند و مریض من می‌آید؟ برای کار من چه اتفاقی می‌افتد؟ فکر ما را سخت مشغول کرده است. فکر چاره‌ساز انسان بر این مشکلات غلبه می‌کند و این روزهای سخت می‌گذرد. ما می‌توانیم و باید با تلاش آگاهانه در این مبارزه شرکت کنیم و بر زندگی خود و دیگران در دوران شیوع کرونا و دنیای پسا کرونا تاثیر مثبت بگذاریم.

پیش‌بینی دنیای پس از کرونا ساده نیست. بسته به اینکه دولت‌ها و ملت‌ها چه واکنشی نشان دهند و بسته به اینکه مردم چقدر برای ساختن یک دنیای بهتر فکر کنند، متشکل شوند و همگام عمل کنند، آینده گوناگونی

متصور است. با هم نگاهی کنیم: از کرونا چه آموختیم، چه دنیائی در انتظار ماست و چه باید بکنیم؟

آنچه روشن شد

ویروس کرونا روشن کرد که سلامت عمومی بزرگترین سرمایه فردی، خانوادگی و جهانی است. با درهم‌تنیدگی تولید در جهان معاصر و تسهیل در رفت و آمد ملی و بین‌المللی، بهداشت و درمان دیگر یک مسئله محلی و یا ملی نیست، بلکه همچون مشکل محیط زیست، مسئله‌ای جهانی است. انسان آسیب‌پذیر معاصر، برای حفظ سلامت خود باید سلامت عموم را هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی تامین و تضمین کند. آن بخش اقتصاد و تولید و خدمات که به سلامت، بهداشت، مسکن و تحصیل عموم مربوط می‌شود باید ملی و همگانی و دور از رقابت بازار باشد.

این ویروس روشنگری ژرفی داشت و تکانه‌های فکری شدیدی را سبب شد. بیش از تلاش هزاران اندیشمند، مبلغ و مروج، نابرابری‌های موجود در میان کشورها و طبقات مختلف مردم را نشان داد و آشکار کرد که نظام اقتصادی نئولیبرال، نه تنها ناعادلانه و چپاولگرانه است، بلکه در ترکیب با گلوبالیسم، سخت شکننده و آسیب‌پذیر است.

بشر بر این ویروس غلبه می‌کند. آن روز، نه تنها به وسایل علمی مبارزه با امراض مسری مسلح‌تر است، بلکه شناخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاصل از آن پشتوانه بزرگی برای مردم در ساختن دنیائی بهتر، کشورهای مستقل‌تر و مردمی مرفه‌تر و با کرامت انسانی‌تر است. بی‌شک این پرسش پاسخ می‌طلبد که با اینهمه کارا تر شدن وسایل تولید و بالارفتن میزان بهره‌وری از منابع طبیعی چرا اینهمه فقر و شکاف طبقاتی وجود دارد؟ چرا امکان سرمایه‌گذاری بر بهداشت و درمان عمومی، حتی در کشورهای پیشرفته و مرفه اینقدر نازل است؟ چرا

عده‌ای میلیاردها سرمایه دارند و عده‌ای اگر یک روز برای کار به خیابان نیابند گرسنه می‌مانند؟

در سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی موجود، تعطیل شدن‌های مراکز تولیدی، خدماتی و اقتصادی بیشترین ضربه را به ضعیف‌ترین و سختکوش‌ترین اعضای جامعه زده است. یک بار دیگر ثابت شد آنهایی که کلیدی‌ترین نقش را در تولید خدمات و کالاهای مورد نیاز ما دارند، کمترین بهره را از نعمات موجود جامعه می‌برند.

کرونا نشان داد حتی پیشرفته‌ترین و عادلانه‌ترین و فراگیرترین نظام درمانی و داروئی جوابگوی مرض‌های دنیاگیر (pandemic) نیست. از اینرو، مسائلی بسیار سخت و تصمیم‌گیری‌های دشوار در برابر ما قرار گرفت. مسئولیت تک تک ما را در حفظ سلامتی و جان خود و دیگران بسیار سنگین کرده است. الویت اختصاص دادن امکانات و داروهای بیمارستان بین سالمندان و جوانان یا کادر درمانی و مریض چگونه باید باشد؟ بین خوابیدن چرخ اقتصاد و قحطی و در خطر افتادن جان انسان‌ها کدام را باید انتخاب کنیم؟ جامعه تا چه حد امکان خواباندن چرخ اقتصاد را دارد؟ جواب سراسر است و بدون مشکل اخلاقی وجود ندارد. این فقط مشکل سرمایه‌داران و دولت‌ها نیست، همه مردم باید بحث کنند و نظر دهند و به یک اتفاق نظر و وحدت ملی برسند.

کار کردن از خانه (دورکاری) شق مفید و عملی که در آینده می‌تواند بیشتر با کار در ادارات تلفیق، تکمیل و یا جایگزین شود. با این روش کار می‌توان در عرصه‌های مختلف صرفه جوئی کرد، از آن میان ترافیک، وقت، سوخت، مکان ادارات و وقت رفت و برگشت.

کرونا نشان داد، سپردن همه چیز را به بازار و تسلیم بهره‌کشی نئولیبرالیسم و گلوبالیسم شدن و صنایع و کشاورزی و دامداری ملی را نابود می‌کند و وابستگی مرگباری بوجود می‌آورد.

آنچه روش شد ملت‌ها بهم احتیاج دارند و همکاری بین‌المللی به نفع همه است. ولی وابستگی و عدم بکارگیری توان خود و عدم استفاده بهینه از منابع خود ویران‌ساز است. نباید کشور را به دست بازار سپرد که برای فروش بیشتر و سود بیشتر همه چیز را نابود کند. بر تولید داخلی و کارآفرینی داخلی، حتی با مشکلات و سوددهی کمتر باید سرمایه‌گذاری کرد.

آنچه در انتظار ماست

بی‌شک ذخیره‌ها غذائی و مصرفی نامحدود نیست. پس از مدتی اختلال در تولید و کمبود آنها آشکار می‌شود. شهرها و کشورهای که بیشتر وابسته هستند زودتر و دیگران دیرتر.

بحران کرونا فرصت طلایی برای دشمنان دموکراسی فراهم آورد. آنها به بهانه هماهنگ کردن مبارزه علیه دموکراسی می‌خواهند حکومت‌ها خودکامه را نهادینه کنند. تنها به فاصله‌ی چند هفته، نخست وزیران مجارستان و اسرائیل اجازه یافته‌اند که با دور زدن محاکم قضائی یا پارلمان حکومت کنند. ترامپ خواهان دور زدن کنگره است. تاریخ نشان داده است که دشمنان دموکراسی همه آن آزادی‌ها را که در دوران بحران محدود کردند هرگز به مردم پس نداده‌اند.

درونمای آینده و زمان پایان ویروس روشن نیست. از اینرو باید آماده روزهای سخت‌تر باشیم. آنچه مسلم است، روز به روز مشکل بزرگتر می‌شود. تنها با تلاش مشترک، پشتیبانی همگانی و اندیشیدن همه ما در چاره‌جویی مشکل آسانتر می‌شود. برخورد با مرض جهانگیر کرونا

آزمایش بزرگ وظایف شهروندی، نوع دوستی و انسانگرایی،
خرافه‌ستیزی و علم‌گرایی و سازماندهی و مدیریت ماست. اگر از این
امتحان سر بلند بیرون نیائیم، زیان‌های جبران ناپذیر خواهیم کرد. از تجربه
بحران‌های جهانی پیشین می‌توان انتظار تغییرات بنیادی داشت. از آنجایی
که جنبشی متشکل و با برنامه در میدان نیست، آینده نامعلوم است. این
ابهام را تسلط پوپولیسم که صورت مسئله را درست طرح می‌کند ولی راه
حل ویرانگر می‌دهد، جنگ‌طلبان که می‌خواهند بی‌برنامگی و بی‌کفایتی
خود را به دشمنان نسبت دهند و با برافروختن شعله جنگ مردم را
سرکوب کنند، یا خرافه‌گرایان که رنج بزرگ مردم را می‌خواهند با وعده
خوشبختی بعد از مرگ کاهش دهند، باز هم نامعلوم تر می‌شود. آینده در
سطح جهانی از ملی‌گرایی افراطی تا همکاری بین‌المللی، و در سطح ملی
از هرج و مرج تا تسلط بیشتر سرمایه‌داری و نئولیبرالیسم و گلوبالیسم، تا
سوسیال‌دموکراسی و همکاری جبهه‌های وسیع ملی قابل تصور است.
متشکل بودن مردم و سازمان‌های سیاسی و مدنی آنها تنها تضمین بدتر
نشدن اوضاع است.

اگر جهانگیری و ویروس ادامه دار شود و زنجیره تولید و توزیع غذا و
مایحتاج اولیه مختل می‌شود، عده‌ای دست به احتکار می‌زنند و اکثریت
مردم به اولیه‌ترین مایحتاج زندگی دسترسی نخواهند داشت. آیا دولت‌ها،
تشکل‌های مدنی، همکاری دولت یا تشکل‌های مدنی و یا ارگانی ویژه باید
برای توزیع ذخائر موجود وارد میدان شود؟ (تشکل‌های مدنی در کمک
به مردم در واگیری آبولاً در غرب افریقا تجربه بسیار مثبتی نشان داده
است.)

آنچه رویاست

اینکه فکر کنیم سرمایه‌داران و دولت‌های حامی آنها از کرونا درس
می‌گیرند، یک خیال واهی است. اینکه نظریه‌پردازان سرمایه‌داری،

نئولیبرالیسم و گلوبالیسم، در تبلیغاتشان وانمود می‌کنند انسانگرا شده‌اند و درس گرفته‌اند، خاک پاشیدن در چشم تولیدکنندگان واقعی خدمات و نعمات مادی جوامع ماست

کرونا مشکلی نیست که دولت به تنهایی و یا بخشی از مردم و یا مردم به تنهایی قادر به غلبه بر آن و کاستن پیامدهای آن باشند. این مشکل همکاری همه مردم و همکاری دولت‌ها و مردم را می‌طلبد. غلبه بر این مشکل در سطح ملی عملی نیست. در ایران وضع مشکل‌تر است، نه توان و نه اراده همکاری ملی و بین‌المللی وجود دارد و نه برنامه واحد. این وضعیت مبارزه مردم ایران را سخت دشوار می‌کند.

گرانی، برآورده نشدن بنیادترین نیازهای مردم، نابرابری فزاینده اقتصادی، بحران‌های سیاسی و رسوائی‌های کلان خامنه‌ای و دولت، دروغ‌های شرم‌آور از سوی از بالاترین رهبران جمهوری اسلامی، برخی را به این فکر رساند که این دیگر اوج فواره است و از این سیاه‌تر ممکن نیست، حتمن روزه‌ای می‌شود. ولی باید مطمئن باشیم جمهوری اسلامی یک دیکتاتوری فاشیستی تا بن دندان مسلح است. به سادگی نه کوتاه نمی‌آید و نه سرنگون می‌شود و وضع می‌تواند با اختلال در اقتصاد جهانی از این هم بدتر شود. فقط یک اتحاد بزرگ، یک همگامی وسیعی ج.ا. را از میدان بدر می‌کند و ایران را در راه سازندگی می‌اندازد. ج.ا. یک نیروی مادی است، آنرا یک نیروی مادی دیگر باید از صحنه بیرون کند. اتحاد وسیع همه مردم و احزاب و سازمانها، در یک مبارزه قهرپرهیز، با جلب حمایت معنوی جهانیان این آرزو را عملی می‌کند.

کرونا یک مرض جهانگیر است مثل همه مرض‌های جهانگیر دیگر چون طاعون و یا آنفولانزای اسپانیایی ۱۹۱۸ یک روزی فروکش می‌کند. اما نباید این خوش‌خیالی به ما دست بدهد که کرونای ماهیت نئولیبرالیسم، جمهوری اسلامی و یا مذهب‌ها عوض می‌کند. مثلن به آموزش و پرورش،

بهداشت و درمان، بیمه و یا مسکن عمومی بیشتر می‌پردازند. یا مذاهب علیرغم رسوا شدن کوتاه می‌آیند، دست از خرافات بر می‌دارند و به علم و دانش روی می‌آورند. بلکه برعکس سعی می‌کنند از این مرض جهانگیر حداکثر بهره‌برداری را در تقویت مواضع خودشان بکنند. برای همین جای آن دارد، بخشی از ارتباطات مجازی این روزهای قرنطینه را صرف سازمان دادن علیه آنها بکنیم. آنها به زودی فراموش می‌کنند که مسلمانان ایران در حرم حضرت معصومه در قم را شکستند تا در آنجا جمع شوند، و به ضریح‌ها دسته جمعی بوسه بزنند. چگونه پلیس هند مجبور شد برای متفرق کردن نمازگزاران به زور متوسل شود. یهودیان قشری در اسرائیل، چگونه با پلیس درگیر شدند و پلیس را که خواهان فاصله‌گذاری هستند را، نازی نامیدند.

عده‌ای دموکراتیزه شدن و جهانی شدن علم و سست‌تر شدن کپی‌رایت و تعامل بیشتر کشورهای پیشرفته را با کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی می‌کنند. این هم خوش‌خیالی است. اذعان به یک پدیده منفی از سوی نئولیبرال‌ها به معنی فاصله‌گرفتن و یا مرزبندی با آن نیست، بلکه باید دید آنها دوباره این کمبود را چگونه کالا می‌کنند و بر شکاف طبقاتی و شکاف بین کشورهای صنعتی و توسعه نیافته می‌افزایند. اگر هشیار نباشیم، اگر خوب نیندیشیده باشیم، اگر متحد و متشکل نباشیم فاجعه‌ی کرونا را با فاجعه‌ی قاپیدن فرصت‌های بعد از بحران برای پر کردن بیشتر جیب خود و شدیدتر کردن کنترل دولت‌ها بر مردم و مطالبات آنها تبدیل می‌کنند.

تجربه و اگیرهای کلان چون انفولانزای ۱۹۱۸ – ۱۹۱۹، ایدز، ابولا نشان داده است سرمایه‌داری درس نمی‌گیرد و قدرت‌های بزرگ در رقابت و غارت خود تردیدی نمی‌کنند. قرن ما، «قرن موسی چمبه هاست». با وجود گسترش پوپولیسم و سیاستمداران نازلی چون ترامپ‌ها

و جانسون ها و پوتین ها در جهان صنعتی و خامنه ها، اردوغان ها، سیسی ها در جهان سوم امید اصلاحات از بالا خوش خیالی است.

آنچه باید انجام دهیم

سرمایه‌داری، نئولیبرالیسم و گلوبالیسم سنگرهای بنیادی کنترل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریت جامعه و صنایع تبلیغاتی، خبررسانی و سرگرمی را در دست دارند. از شکل‌گیری تشکل سیاسی و مدنی طرفداران تهیدستان و تولیدکنندگان خدمات و نعمات جامعه جلوگیری می‌کنند، رهبران آنها می‌خرند، با عاملان خود در آن نفوذ می‌کنند و یا تشکل‌های زرد تشکیل می‌دهند. با پوپولیسم، شبه‌علم، مذهب و خرافات پایه‌های تسلط خود را تقویت می‌کنند.

روابط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهانی شده است. دود گازها کربن تولید شده در چین و امریکا و آلمان به چشم همه مردم دنیا می‌رود، اشعه‌ی مرگ‌زای انفجار نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در روسیه، سراسر کشورهای اسکاندیناوی را آلوده می‌کند، آبولاً در افریقای غربی و کرونا در چین و حتی ویروسی کامپیوتری در شبکه اینترنت یک کشور، به همه جهان سرایت می‌کند. اگر دولتمردان قابلیت درس‌گیری داشته باشند به همکاری بین‌المللی روی می‌آورند زیرا هیچ خطر و آسیبی با ارتباطات مدرن، دیگر مسئله ملی نیست بلکه به راحتی بین‌المللی می‌شود. همکاری بین‌المللی هیچ منافاتی با تقویت بنیه اقتصادی و تولیدی ملی و رفاه ملی ندارد، بلکه برعکس خودکفائی راستین و در عمل، نه در حرف، در خدمت تثبیت صلح بین‌المللی است.

اگر دولت‌ها استعداد درس‌گیری داشته باشند بر بی‌بند و باری نئولیبرالیسم و گلوبالیسم لگام می‌زنند، هرچند با سود کمتر بر تولیدات داخلی، حد اقل تولیدات حیاتی و استراتژیک سرمایه‌گذاری می‌کنند. بر سرمایه مالی و

تجاری لگام می زنند و بر سرمایه تولیدی و پژوهشی تکیه می‌کنند. این کار بدون درخواست و فشار متحد مردم از پائین عملی نیست.

بحران کنونی کووید ۱۹ احتیاج دوگانه سرمایه‌داری به توده‌ها را آشکارا نشان داد. توده‌ها از یک سو باید با دستمزد نازل برای سرمایه‌داران کالا و خدمات تولید کنند و از سوی دیگر باید با همان دستمزد نازل آن کالا و خدمات را بخرند. چشم اسفندیار سرمایه‌داری اختلال و کاهش در تولید و مصرف از سوی توده‌هاست. تولیدکنندگان نعمات مادی و معنوی باید با تکیه بر این حقیقت از یک سو و متشکل شدن با برنامه و روش نیل مشخص از سوی دیگر، از نعمات تولید شده در جامعه عالانه‌تر بهره‌مند شوند و از این شکاف طبقاتی غیرانسانی را بکاهند. ساختن بهشت‌ها روی زمین به جهنم‌ها ختم شد، ولی راه برای قابل تحمل و انسانی کردن دنیا با توجه به خصلت‌ها و نیازهای بنیادی بشر کاملن باز است.

هم مبارزه با مرض کرونا و هم چاره جوئی اقتصادی پیامدهای پساکرونا یک مشکل جهانی است و باید با هماهنگی و کمک‌ها متقابل بین‌المللی حل و فصل شود. متأسفانه به خاطر سابقه سوء رژیم جمهوری اسلامی که همه درآمدهای ملی را صرف جنگ‌افروزی در منطقه کرده است، کسی جرئت کمک مالی به جمهوری اسلامی را ندارد. جمهوری اسلامی هم کمک پزشکی، درمانی و داروئی را نمی‌پذیرد. باید این موضع جمهوری اسلامی را افشاء کرد تا راه کمک بین‌المللی به ایران باز شود. جمهوری اسلامی سال‌های طلائی درآمد نفت را خرج نظامی‌گری در منطقه کرده است و با سقوط قیمت نفت و تحریم در افلاس کامل بسر می‌برد.

مردم ایران به درستی به دولت و رسانه‌ها دولتی اعتمادی ندارند، ولی باید از کانال‌های مطمئن خبرهای دقیق کسب کرد و با رسانه‌های اجتماعی، مبارزه علیه کرونا را هماهنگ کرد. یک بیماری فراگیر بدون همگامی و همکاری سراسری می‌تواند پیامدهای فاجعه‌بار داشته باشد. ما

باید آگاهانه عمل کنیم. باید بین تبلیغات، تئوری‌های توطئه که دولت‌ها برای توجیه اشتباهات و یا بی‌عملی خود ارائه می‌کنند، بین حقایق علمی و توصیه‌های مبتنی بر علم و تجربه کادرهای متخصص درمانی و نظرهای خرافی و ضدعلمی فرق قائل شویم.

جمهوری اسلامی نهایت بی‌مهری خود را به نهادها و تشکل‌های مردمی و فعالان آن نشان داد. حال دیدیم این نهادها چه کمک‌های ارزنده‌ای در اجرای سیاست‌های قرنطینه، فاصله‌گیری اجتماعی، بهداشت عمومی، تهیه و دوخت و دوز ماسک و لباس‌های کادر درمانی و کمک‌رسانی به نیازمندان انجام داده‌اند و می‌دهند. این تجربه نشان داد که نهادهای مدنی دشمن دولت‌ها نیستند، بلکه در هنگام ضرورت کمک مردم و دولتند. این پدیده باید اعتماد بنفس نهادهای مدنی را قویتر کند و با گام‌های استوارتر در تقویت و تجهیز خود و یارگیری بکوشند. تجربه کشورهای مختلف جهان در مقابله با کرونا نشان داده است، در هر جایی که دولت بجای کنترل، به مردم قدرت داد، بهتر با گسترش ویروس مقابله شد. یک ملت آگاه و مجهز به شناخت و حقایق علمی بی‌شک بهتر از عهده ویروس جهانگیر بر می‌آید تا یک ملت بیخبر و خرافات زده.

مشخص نبودن پایان ویروس و طولانی شدن اختلال در تولید و فقر فراگیر آن می‌تواند پیامدهای سنگین برای، تهیدستان، اقشار کم درآمد و جوانان داشته باشد. باید هشیارانه و متحدعمل کنند. هر حرکت اشتباه می‌تواند به نفع سرمایه‌داری، محکم‌تر شدن بیشتر پایگاه پوپولیست‌ها، خرافات‌پراکن‌ها و دیکتاتور‌ها شود که هم اکنون به اندازه کافی محکم است. از اینرو، قبل از هر اقدامی باید به پیامدهای فوری و درازمدت آن با دقت توجه کرد. بی‌شک اختلال در تولید نمی‌تواند در دراز مدت ادامه یابد. باید چاره‌های اندیشید. اما راه حل آزادی بی‌رویه رفت و آمد، ورود

مبتلایان و یا ناقلان ویروس به جامعه، تماس با افراد آسیب‌پذیر در جامعه نیست.

ویروس کرونا آسیب‌پذیری انسان را آشکار کرد. هر آلودگی در طبیعت، در آب و خاک و هوا به ما بر می‌گردد، بیائیم به مسئولیت بزرگ خود آگاه شویم و در پاکسازی و پاک‌نگهداری مادر طبیعت با تمام توانمان بکوشیم. کمتر سفر کنیم، کمتر مصرف کنیم. کمتر با مد لباس عوض کنیم، حتی کمتر بخوریم و آب را کمتر مصرف کنیم. باید بدانیم، هر گونه مصرف ما طبیعت را آلوده‌تر و سرمایه‌داری را فربه‌تر می‌کند. حال که مصرف کردیم زباله‌ها را در خانه تفکیک کنیم و برای بازیافت آن فکری کنیم. دولت ایران نه توان بازیافت موثر را دارد و نه اراده آن. تمام فکر و ابتکار خود را بکار بگیریم. چشم از بالا برداریم و دست را به بالا دراز نکنیم. دست را به سوی همسایگان دراز کنیم و فکرهایمان را روی هم بگذاریم.

همچون زمین‌لرزه ۱۷۵۵ لیسبون، رومرکز (epicenter) شدن کرونا در قم، کمک بزرگی در مبارزه با خرافات روحانیون شیعه، این متولیان صندوق‌های امام‌زاده‌های ریز و درشت خواهد شد. باید با اعتقادات ضد علمی و ضدبهداشتی که آب کر آن تمیز است (در فقه شیعه به میزان آبی گفته می‌شود اگر در ظرفی ریخته شود، طول و عرض و عمق آن هر یک سه و جب و نیم باشد) در کنار مبارزات دیگر مبارزه کرد. بی‌شک این متولیان باز هم از رو نمی‌روند، همانطور که در این پنج‌هزار سال عمر مذهب و گسترش خرافات از رو نرفتند و باز با گسترش بیشتر خرافات با امکانات نوین خبررسانی می‌پردازند. باز هم این بلاها را به گناه ما نسبت می‌دهند و دست به توسل می‌زنند.

بحران کرونا نشان داد که دستاوردهای علمی و تکنولوژی بجای بکار گرفتن برای کاهش آلام عموم، برای پروارتر کردن یک درصد

ثروتمندان جهان استفاده شده است. تمامی مدیریت و اقتصاد و حتی سیاست در این خلاصه شده است که عده معدوی بتوانند به قیمت فقر اکثریت مردم ثروت اندوزی کنند و نام آنهم آزادی است. این عده معدود در راه نیل به سود نه تنها انسان، بلکه طبیعت را هم بدون هیچ ملاحظه‌ای تخریب می‌کنند. بی‌شک این دید از آزادی باید در سایه تجربیات کرونا عوض شود. بیش از آنکه روشنفکران و دولت‌ها نگران اختلال در گسترش سرمایه‌ی سرمایه‌دارانی چون وارن بافت‌ها، مایکل بلومبرگ‌ها، مارک زاکربرگ‌ها، لری پیج‌ها، لری الیسون‌ها، کارلوس اسلیم‌ها، جف بیزوس‌ها و بیل گیتس‌ها باشند، باید نگران کسانی باشند که حتی چند روز نمی‌توانند برای فاصله‌گیری اجتماعی که خود ضرورت آن را درک می‌کنند، در خانه بمانند. البته سرمایه‌داران و دولت مدافع آنها خودشان دست از منافع خود بر نمی‌دارند. مردم باید متحد و متشکل شوند و تعریف دیگری از مدیریت و اقتصاد و سیاست بدست دهند: بکارگیری منابع انسانی و طبیعی برای خدمات و تولیدات مادی و معنوی برای برآوردن نیازهای حیاتی همه مردم بکار گیرند. از ناعادلانه بودن این نظام چه ملی و چه بین‌المللی همان بس که پیشرفت ماشین، خودکارسازی، پیشرفت گسترده رباتیک، چاپ سه‌بعدی، هوش مصنوعی (AI)، اینترنت چیزها (IoT) و ... که راندمان کار را صدها برابر کرده است، هنوز در جهان متمدن فقر بیداد می‌کند. این راندمان کار اگر عادلانه توزیع شود برای سیر کردن تمام جهان کافی است.

برای تغییر باید تشکل داشت و متحد بود و برنامه روشن داشت. تشکل‌های مدنی و کمیته‌های مردمی برای حل مشکلات دور و بر خود تشکیل دهیم. دست دوستی و همکاری به سوی دیگران دراز کنیم. به جایگزین‌ها و دورنما بیندیشیم. باید سازوکار بهره‌کشی را در اقتصاد مدرن بشناسیم و برنامه روشن آینده را برای جهانی بهتر ترسیم کنیم. راه

رسیدن به آن به روشنی بیان کنیم. زیربنای دولت مردمی جایگزین را معین کنیم و بسازیم و تمرین رواداری و دموکراسی کنیم.

ویروس جهانگیر کرونا از یک سو ضعف دولت‌ها و سیستم بهداشت درمان کشورها را آشکار کرد، از سوی دیگر ابتکار، خلاقیت، احساس مسئولیت اکثریت مردم کشورهای مختلف را نشان داد. شور زندگی اکثریت مردم جهان را نشان داد که در بحرانی ترین شرایط امید به آینده و روحیه رزمنده و مشکل گشا را از دست نمی دهند. با وجود همه مشکلات و نارسائی‌ها، در سراسر جهان نمونه های زیادی از قدرت روحی انسانی و عشق به هموع و انسانگرائی امیدبخش دیده شد. پزشکان، پرستاران، رهبران سیاسی، هنرمندان، شهروندان و تشکل‌های مدنی، کارآیی، رهبری و انساندوستی بزرگی نشان می دهند که امیدوار کننده است. با این زنان و مردان، با اطمینان کامل می توان امیدوار بود که هر مشکلی بزرگی، چه ملی و چه بین‌المللی قابل حل است و هر تغییری قابل حصول.

۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۹

احد قربانی دهناری

گوتنبرگ، سوئد

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com>

<http://telegram.me/ahaddehnari>

<https://t.me/AhadGhorbaniDehnari>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>